

## قصاص نفس در اسلام و ابعاد تربیتی آن

مریم عشوری / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه)  
 maryameashouri@yahoo.com  
 محسن خوشناموند / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبائی  
 M.Khoshnamvand@gmail.com  
 پذیرش: ۹۵/۷/۱۱ دریافت: ۹۴/۸/۹

### چکیده

مقوله قصاص نفس و نقد و بررسی مؤلفه‌های آن، موضوعی بحث‌برانگیز در محافل داخلی و خارجی است. تکرر دیدگاه‌ها و تعدد رویکردها نسبت به این موضوع موجب بازتاب‌ها و نظرات متفاوتی گردیده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در پی آن است تا با استناد به قرآن و منابع دینی، اهمیت، جایگاه و ضرورت قصاص نفس را در اسلام بیان نماید. حاصل تحقیق بیانگر این است که قصاص نفس در اسلام عملی عقلانی، اخلاقی و اجتماعی است و شالوده و فلسفه آن برپایی قسط و عدالت فردی و اجتماعی است. این تحقیق با ارائه برخی از اصول (عدالت، عزت‌مداری و...) و روش‌های تربیتی (تناسب جرم و مجازات، اخفای عیوب و...)، به ضرورت قصاص نفس در اسلام پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** قصاص نفس، اسلام، عدالت، عزت‌مداری، حیات اجتماعی.

## مقدمه

از وقوع جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد عمل می‌کند» (خسروشاهی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۰). از این رو، توجه به تشریح احکام و تدبیر در دستورالعمل‌های مربوط به قصاص نفس و همچنین تبیین پیامدهای تربیتی و فرهنگی آن در جامعه می‌تواند پاسخی به معترضان و معاندانی باشد که مدعیان حقوق بشر و منادیان دموکراسی در جهان هستند و قصاص را عملی کاملاً ضدانسانی تلقی کرده‌اند. قابل اذعان است که چنین حامیانی، خود در گوشه و کنار جهان از مشعلداران و عاملان فجایع انسانی به‌شمار می‌روند. از سوی دیگر، باید در نظر داشته باشیم که اسلام قصاص را تنها راهکار اخلاقی برای حفظ و تداوم جامعه ندانسته است و در کنار آن از راه کارهای تربیتی دیگر، مانند عفو و گذشت سخن به میان آورده است. از آنجاکه در این پژوهش مجال بررسی سایر موارد نیست، تنها با استنادات قرآنی و براهین عقلی به اصول و روش‌های تربیتی منتج از قصاص نفس در اسلام می‌پردازیم و برخی از پیامدهای تربیتی و آثار آن را بازگو می‌کنیم.

از آنجاکه موضوع قصاص نفس بیشتر در مبانی فقهی و احکام حقوقی و جزایی مورد بررسی قرار گرفته است و کمتر از دیدگاه تربیتی به آن اشاره شده، از این رو، محور موضوع این مقاله بعد تربیتی آن است. در ذیل، به چند نمونه از مقالات مربوط به قصاص نفس اشاره می‌گردد:

مسجیدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «رویکردهای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقررات قصاص نفس»، به این نتیجه رسیده است که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به قوانین جزایی پیشین، پیشرفت‌های نسبی مهمی داشته است. رفع خلأهای تقنینی در برخی از موارد از زمره این پیشرفت‌ها به حساب می‌آید.

امروز ترویج و تکثر اندیشه‌های غیردینی در جوامع اسلامی از چنان کثرتی برخوردار گردیده است که عناصر منحرف در قالب‌ها و روش‌های متفاوت به سهولت توانسته‌اند در فرهنگ و اعتقادات و آداب و رسوم ملل اسلامی تزلزل ایجاد کنند و همچنان بر آنند که با استفاده از الگوهای نامتعارف فرهنگی و استدالات بی‌اساس، منکر حقانیت دینی شوند که مطابق با عالم تکوین و فطرت آدمی است. نیز از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند تا اسلام را به گونه‌ای جلوه دهند که تعالیم و احکامش، به‌ویژه قوانین و احکام جزایی آن، مملو از خشونت و به دور از عواطف انسانی است. این در حالی است که در نصوص شرعی اسلام، اعم از آیات و روایات، به مجموعه مجازات‌ها و اعمالی اشاره شده است که منبعث و متناسب با عملکرد و تخطی فرد از احکام و مقررات اجتماعی است و الزام به اجرای تمامی این تعالیم، در راستای برپایی عدل و قسط و حرکت فرد و اجتماع به سمت تکامل می‌باشد. علی‌رغم جامعیت در احکام و مبانی مربوط به قصاص نفس در اسلام، همچنان نظریه‌ها و بازتاب‌های متفاوت و شدیدتری از سوی اسلام‌ستیزان و محافل غربی مطرح شده است و آنها همچنان بر این باورند که قصاص نفس، عملی ضد انسانی و ضد اخلاقی است و ریشه در کینه‌توزی و انتقام‌جویی دارد. این در حالی است که با تدقیق در دستورالعمل‌ها و احکام جزایی اسلام، می‌توان نشان داد که قصاص تنها به دلیل استحقاق مجرم و تحقق عدالت کیفری تشریح نشده است، بلکه اثرات و نتایج فردی و اجتماعی بسیاری بر آن مترتب است. به عبارتی، «قصاص در عین توجه به گذشته، یعنی به جرم و استحقاق مجرم و تحقق عدالت، آینده را نیز مورد توجه قرار می‌دهد و به عنوان کارآمدترین شیوه برای جلوگیری

(حلی، ۱۳۷۴، ص ۶۰۲-۶۷۶ و ۱۸۸). چنان‌که «قصه» نیز از همین ریشه مشتق شده است، به سبب آنکه مشتمل بر مطالبی است که به دنبال یکدیگر می‌آید و قصه‌گو و شنونده هر دو مطالب قصه را پی‌گیری می‌کنند (خسروشاهی، ۱۳۸۰، ص ۲۷). حقوق‌دانان اسلامی با توجه به مفهوم لغوی قصاص، آن را استیفای اثر جنایت تبهکار تعریف کرده (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۲) و مراد از آن را مجازاتی دانسته‌اند که بر جانی تحمیل شده و مثل کاری را که کرده است در باره‌اش اجرا کنند (حلی، ۱۳۷۴، ص ۴۵۵). بنابراین، مفهوم واقعی قصاص، پی‌گیری و مجازات، و واکنش عمل مجرم است، که به حکم فطرت و عقل و عرف و شرع مقرر می‌گردد. از دیدگاه اسلام، حیات اجتماعی سالم در گرو وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی، در گرو حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است. و به تبع، نظام کیفری اسلام و قوانین و مقررات جزایی آن، از جمله قصاص نفس، در راستای حرکت به سمت جامعه سالم و پویانده است. از این رو، هدف اساسی قوانین کیفری اسلام در حقیقت، چیزی به غیر از تأمین مصالح عمومی جامعه نیست. چنان‌که قصاص نفس در اسلام نیز برای تحقق عدالت کیفری و پیش‌گیری از ارتکاب جرم و حفظ نظم و امنیت اجتماعی و تشفی خاطر بزه‌دیده انجام می‌گیرد.

### قصاص در قرآن

«قصاص، کیفر قتل عمدی است و در آیات ۱۸۳، ۱۷۸، و ۱۷۹ سوره بقره؛ ۳۲ و ۳۵ سوره مائده؛ ۳۳ سوره بنی‌اسرائیل؛ ۹۲ و ۹۳ سوره نساء؛ ۴۱ و ۴۰ سوره حم، عسق؛ ۱۲۶ سوره نحل بر لزوم اجرای قصاص با مطالبه ولی دم تأکید شده است» (شکری، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷). «در

محمد (۱۹۸۲) در پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «مفهوم قصاص در قانون اسلام» به این نتیجه رسیده است که نقش قصاص، کنترل جامعه و حمایت از قوانین فردی و اجتماعی است. وی می‌نویسد: «اگرچه به نظر می‌رسد که اجرای قصاص بی‌انصافی است، ولی فرد و جامعه را به سمت عدالت جزایی رهنمون می‌گرداند.»

خسروشاهی (۱۳۸۰) در کتاب *فلسفه قصاص در اسلام* به این نتیجه رسیده که قصاص مایه حیات و رسیدن جامعه و فرد به سمت سلامتی و امنیت است.

سؤال اصلی این مقاله، عبارت است از: دلایل ضرورت قصاص نفس در قرآن و متون دینی کدام است؟ سؤالات فرعی نیز عبارتند از: ۱. قصاص نفس به چه معناست؟ ۲. اصول تربیتی منتج از مقوله قصاص نفس کدام است؟ ۳. روش‌های تربیتی منتج از مقوله قصاص نفس کدام است؟

### واژه و معنا و مفهوم قصاص نفس در اسلام

چنان‌که ذکر کردیم، در اغلب نوشتارهای اعتراض آمیز، از قصاص به عنوان عملی غیرانسانی که ریشه در انتقام‌جویی و کینه‌توزی دارد، تعبیر شده است. ولی این تعبیر با آنچه مفهوم واقعی کلمه «قصاص» در اسلام است، سازگار نمی‌باشد. اکنون برای روشن شدن مفهوم و فلسفه این عمل در اسلام، پیش از هر چیز، به بررسی ریشه لغوی و موارد استعمال آن می‌پردازیم و سپس به تفاسیری از آیاتی که قرآن کریم، از قصاص دارد، عطف توجه می‌نماییم. «قصاص» بر وزن فعال (به کسر حرف اول) از «قص اثره»، یعنی: «او را تعقیب کرد»، و منظور از قصاص در اینجا مجازات می‌باشد؛ بدین ترتیب، که جانی مورد تعقیب قرار می‌گیرد و مثل کاری را که کرده در باره‌اش اجرا می‌کنند. این مجازات را قصاص می‌گویند

آن چیزی است که با کیفر مجرمان از دست می‌دهید. با کشتن قاتل، یک انسان مجرم را از دست داده‌اید، ولی در عوض، حیات جامعه را تأمین کرده‌ایم و نباید از این پشتوانه حیات اجتماعی، یعنی قصاص غفلت ورزیم. از سوی دیگر، با به کار برده شدن کلمه "لکم" در آیه، چنین استنباط می‌شود که منفعت و مصلحت حکم قصاص همگانی است و متوجه شخص خاصی نیست» (رهبر، ۱۳۶۰، ص ۶۰-۶۲). همچنین در آیه ۳۲ سوره مائده خداوند به اهمیت حیات انسان و حرمت قتل نفس اشاره کرده است و می‌فرماید: ﴿مَنْ أَجْلٍ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَ تَهُمُ رَسُولُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَكُسْرُفُونَ﴾؛ به این جهت است که بر بنی اسرائیل نوشتیم (واجب کردیم) که هر کس دیگری را بدون اینکه به لحاظ قصاص و فساد در زمین بکشد مثل این است که تمام مردم را کشته است و آنکه او را زنده کند (از قصاص و مجازات او را عفو نماید) مثل این است که همه مردم را زنده ساخته است، هر چند پیامبران خود را با شواهد و بینه‌ها برای آنها فرستادیم، ولی پس از آن خیلی از ایشان در روی زمین در این موضوع (قتل نفس) از حد خود تجاوز و زیاده‌روی نمودند.

در تفسیر آیه مذکور فقیه شیعی مرحوم مقدس اردبیلی چنین نقل کرده است: «قتل نفس یک فرد از آن جهت برابر با قتل تمام مردم است که موجب هتک حرمت دماء و تأسیس سنت قتل و جری ساختن مردم به کشتار می‌شود یا اینکه قتل یک نفر و قتل مردم، در برانگیختن غضب خدا و عذاب وی یکی است. و عفو و اغماض مثل اغماض و عفو تمام مردم است و مقصود از آن عظیم شمردن قتل نفس است» (مقدس اردبیلی، ۱۳۴۰، ص ۶۶۶).

حقیقت، در اسلام دلیل اثبات حکم قصاص، پیش از اجماع، آیه شریفه ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (بقره: ۱۷۹) و آیات مذکور است. بنا بر دلالت آیات قرآنی و احادیث منقول از پیشوایان شیعه، حیات و زندگی انسان دارای اهمیت خاص ویژه‌ای است و خدای متعال در موارد زیادی در قرآن بر ارزش حیات انسان و حفاظت و صیانت آن تأکید کرده است و روی این اصل، هر نوع تعرض و تعدی به حیات بشر که سلامت و تمامیت آن را به خطر اندازد یا به آن لطمه بزند، حتی اگر از طرف خود انسان باشد، ممنوع و حرام اعلام شده است. در میان آیات قرآنی، آیه ۱۷۹ سوره بقره و ۳۲ سوره مائده به وضوح در مورد اهمیت، علل قصاص، شدت منع آن و حرمت قتل از نظر اسلام پرداخته شده است» (غفارپور مراغی، ۱۳۶۹، ص ۱). قرآن کریم درباره قصاص در آیه ۱۷۹ سوره بقره می‌فرماید: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾، برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای خردمندان! شاید پرهیزگار شوید، و از جنایت خودداری کنید. «مفسرین گویند: این آیه با کوتاهی عبارت، و ایجاز و اختصار و ترکیب زیبایش، از بلیغ‌ترین آیات و زیباترین جملات قرآن، در موضوع کیفر و مجازات است؛ زیرا آیه فوق، استدلال، لطف و جمال معنی، و روانی عبارت، قوت استدلال و رسایی در بیان مقصود را جمع کرده است. در این آیه، قصاص به عنوان عامل حیات جامعه تلقی شده است و کلمه قصاص در آیه مزبور به معنای پی‌گیری است نه خشم و انتقام‌جویی و نه کشتن به ناحق. همچنین حیات در آیه، بدون الف و لام تعریف شده، که بیانگر فراگیری قصاص است؛ یعنی نتیجه‌ای که بر قصاص مترتب است، حیات و زندگی است، با مفهوم وسیع آن، و اثر زندگی و حیات که در قصاص به دست می‌آید بیشتر از

### اصل اول: عدالت‌ورزی

«عدالت، به عنوان یکی از محبوب‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین اصول اخلاقی و انسانی در جوامع بشری، اقتضا دارد کسی که عالماً و عامداً و با سوءنیت حقوق افراد دیگر و یا کلیت جامعه را زیر پا نهاده، از طرف جامعه مجازات شود و به عبارت دیگر، به او بی‌مهری بشود و اقدامات سخت و رنج‌آوری نسبت به وی اجرا گردد، تا بزهکار به سزای عادلانه عمل خود برسد و بزه‌دیده نیز به اجرای عدالت در جامعه دلخوش شود و تا حدودی تشفی خاطر پیدا کند و چنان نباشد که در نتیجه یأس از اجرای عدالت، بزه‌دیده خود به سوی انتقام خصوصی از بزهکار رفته، شاهد جنگ و درگیری و هرج و مرج، که از خصایص پدیده انتقام خصوصی است باشیم» (احمدی ابهری، ۱۳۷۷، ص ۸۶).

تناسب میان جرم و مجازات از شاخصه‌های عدالت‌ورزی در حقوق کیفری و نظام مجازات اسلامی است. در آیه‌ای از آیات قصاص، تعبیری به کار رفته که اهتمام و توجه به اصل مزبور را نشان می‌دهد. برای نمونه، در آیه ۱۹۴ سوره «بقره» چنین آمده است: ﴿وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾؛ همه رفتارهای حرام قصاص می‌باشد؛ هر کس به شما دست‌اندازی کرد، همانند وی بر او تجاوز کنید. علامه طباطبائی در تفسیر آیه فوق چنین می‌نویسد: «این آیه در ارتباط با تناسب میان جرم و مجازات می‌باشد. واژه "حرمات" در آیه مورد اشاره جمع "حرمة" می‌باشد و به معنای چیزی است که باید آن را حفظ کرد و احترام آن را پاس داشت. رفتارهای زشت را نیز از آن رو حرام می‌گویند که از انجام آنها جلوگیری شده است. باریک‌اندیشی در بخش دوم آیه شریف این نتیجه را به دست می‌دهد که بی‌توجهی به تناسب میان تجاوز انجام‌یافته و نپذیرفتن و

بنابراین، با توجه به اقوال مفسران و فقها و اخباری که در تفسیر آیه‌های مزبور ذکر گردیده، چنین استنتاج می‌شود که هیچ نظام اجتماعی و سیاسی و اخلاقی به اندازه اسلام به حیات انسان و عمل قتل و مجازات قاتل توجه و اهمیت نداده است. از سوی دیگر، تمامی آیات قرآنی از جمله آیات مربوط به قصاص، بر پایه سازوکارهای فکری و تربیتی استوار گردیده است و طبیعی است که با استنتاج اصول و روش‌های تربیتی از آیات مربوط به قصاص، می‌توان به برخی از مصادیق و همچنین نظراتی اشاره کرد که همگی در راستای تکامل و سعادت همه‌جانبه فرد و اجتماع ره پوییده است و در حقیقت، آیات قرآنی به صورت ضمنی و یا تصریحی بیانگر اصول و روش‌های تربیتی است که پیروی از آنها می‌تواند راهنمای اندیشه و عمل انسان باشد. از این رو، پیش از استنتاج اصول و روش‌های تربیتی از آیات مربوط به قصاص نفس در اسلام، اجمالاً توضیح مختصری در مورد اصول و روش‌های تربیتی مترتب بر آن بازگو می‌شود.

### اصول و روش‌های تربیتی

«برخی محققان اصول تربیت را "قواعد عامه" ای می‌دانند که می‌توان آنها را به منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده نمود؛ یعنی این اصول مبنای استخراج روش‌های تربیتی محسوب شده، روش‌ها مترتب و متفرع بر این اصول است. روش‌ها به عنوان دستورالعمل و توصیه، بیانگر تحقق تدابیر تربیتی با توجه به شرایط و موقعیت‌های ویژه است» (ایمانی، ۱۳۸۷، ص ۹۳-۹۴).

بر اساس مطالب مذکور و قابل ذکر از آیات قرآن در مورد قصاص نفس در اسلام و همچنین تعاریف تربیتی فوق، اصول و روش‌های منتج‌شده ذیل قابل بررسی و توجه می‌باشد:

زیر پا گذاشتن آن، خود از حرمت و رفتارهای ممنوع به‌شمار می‌آید» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۶۱).  
**روش‌های تربیتی:**

۱) **تناسب جرم و مجازات:** «تناسب میان جرم و مجازات، از روش‌هایی می‌باشد که در حقوق جزا، به‌ویژه در مکاتب کیفری سده‌های اخیر، مورد توجه جدی قرار گرفته است، و به عنوان یکی از شاخصه‌های عدالت کیفری از آن یاد می‌شود. عدم توجه به تناسب میان جرم و مجازات در جامعه می‌تواند موجب بیدادگری شود؛ زیرا عدل، یعنی دادن استحقاق‌ها و رساندن هر صاحب حقی به حق خود. این مفهوم از عدل، بر دو پایه استوار می‌باشد: حقوق و اولویت‌های افراد از یک‌سو، و اندیشه پیوستگی میان نیک‌بختی جامعه و رعایت این حقوق و اولویت‌ها از سوی دیگر. و برای داوری و قضاوت عادلانه درباره نیک و بدی یک رفتار، باید هر دو پایه یادشده را سنجید. بر پایه چنین رویکرد و روشی، عدالت کیفری‌ای عادلانه خواهد بود که افزون بر لایه آشکار جرم، یعنی رفتار انجام‌شده، سایر عوامل تأثیرگذار بر رخداد بزه و همه زمینه‌های درونی و برونی وقوع آن را مورد توجه قرار دهد، و تنها در این صورت است که مجازاتی درخور استحقاق مجرم به کار بسته می‌شود» (ابراهیم‌پور لیالستانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶-۱۹۰). طبق این روش، باید مجازات، میزان و نحوه آن متناسب با خطای مرتبی باشد و تنها عمل سطحی نمی‌تواند معیار قضاوت نهایی قرار گیرد، بلکه مرتبی بایستی به منشأ و علل خطای مرتبی نیز واقف باشد، آن‌گاه داوری آگاهانه و قضای درخور عمل فراگیر داشته انجام دهد.

## ۲) استفاده از بازخورد برای اصلاح رفتار (تنبیه): دین

اسلام، دینی است که همواره با لطف و رأفت سعی می‌کند به سازندگی انسان پردازد و در مقابل خطاهای دیگران، انسان را دعوت به آرامش و گذشت می‌کند. این دین در

هیچ‌یک از مراحل تربیت انسان، جبر بیرونی و انضباط خشک را حاکم قلمداد نمی‌کند و تمامی این قوانین و دستورالعمل‌ها را برای کل زندگی آدمی الزامی می‌داند و این شیوه رفتار را تا حد امکان که به حیات فرد و یا اجتماع آسیب نرساند، سفارش می‌کند؛ ولی مادامی که روش‌های تربیتی مثبت نه‌تنها اثرگذار بر فرد نیست، بلکه بر عصیانگری او می‌افزاید. اسلام آخرین راهکار تربیت را در تنبیه قرار می‌دهد تا از این طریق، عدالت و توازن در جامعه برقرار گردد. این روش، در سخن امیرمؤمنان علی علیه السلام و سفارش‌های ایشان که به مالک اشتر کرده‌اند بازتاب یافته است؛ آنجا که می‌فرماید: «ای مالک، هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت، و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، سپس هر کدام را براساس کردارشان جزا ده» (نهج‌البلاغه، ۱۳۶۲، ص ۴۰۷). براین اساس، اگر در موضوعاتی حیاتی مانند قصاص، عمل مجرم نادیده گرفته شود در حقیقت، بین افراد جامعه هیچ تمایزی قایل نشده‌ایم و همین امر سبب ناآرامی و زمینه‌ساز بروز جرم‌های بعدی خواهد بود و در این مرحله، تنبیه متناسب با جرم، از بهترین روش‌های اثرگذار به‌شمار می‌رود.

به سبب آنکه تنبیه، هم می‌تواند عملی مسری باشد (بندورا، ۱۹۶۵، ص ۱۹۸۶) (یعنی اثر عبرت‌آموزی بر دیگران داشته باشد) و هم می‌تواند فرد را به این اندیشه وادارد که تنبیه انجام‌شده بازتاب عمل خویش است، بر اساس مطالب مذکور، حذف کامل تنبیه در برنامه‌های تربیتی ممکن است اهداف تربیتی را دچار اختلال و نارسایی کند.

## اصل دوم: عزت‌مداری و کرامت

خداوند برای انسان در اساس انسان بودنش، بهره‌وری‌هایی را فراهم آورده که مایه امتیاز او از غیر

است و برای تقریب به ذهن مخاطب و نشان دادن قبح و زشتی عمل قتل از قیاس استثنایی استفاده شده است که احیای حیات یک فرد و یا از بین بردن نفسی بی‌گناه، برابر با از بین بردن نفوس تمامی بندگان است.

با اندکی تأمل در مطالب فوق، درمی‌یابیم که خداوندی که خود صاحب عزت تمامی مخلوقات است برای نفس و حیات کوچک‌ترین جزء هستی ارزش و منزلت خاصی قایل است و از بین بردن و یا تکریم نفس یک انسان را در مقابل عظمت خلقت تمامی انسان‌ها قرار می‌دهد.

#### روش‌های تربیتی:

۱) اخفای عیوب: «خداوند خود صاحب عزت و عزت‌پرور برای تمامی مخلوقات است. او پوشاننده عیوب بندگان و آمرزنده تمامی گناهان و قبول‌کننده توبه تمامی نادمان است و تمامی این تدابیر و افعال الهی در راستای حفظ شأن و منزلت زیباترین مخلوق هستی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۰۵، ص ۱۰۰). بر همین سیاق نیز احکام مربوط به قصاص نفس، از جامعیت و قاطعیت برخوردار است، به انجایی که به کرامت انسانی، هرچند یک نفس، لطمه‌ای وارد نیاید؛ از این رو، بر مریبان و تمامی کسانی که سازنده افعال انسانی هستند، لازم است که شأن و منزلت متربی و یا هر انسان دیگر را حفظ کنند و مانند صاحب حق، برای شخصیت متربیان ارزش و منزلت قایل باشند و از تصریح و یا گوشزد کردن افعال نادرست متربیان در برابر یکدیگر بپرهیزند و در ظاهر، پوشاننده نقایص آنان در برابر یکدیگر، و در خفا، منعکس‌کننده و تأدیپ‌کننده عیوب آنان باشند.

#### اصل سوم: اصل استمرار حیات اجتماعی

«هر انسانی را هموداپلکس (دارای ترکیبی از خود فردی و خود اجتماعی) خوانده‌اند؛ یعنی موجودی دو بخشی که

انسان است و به سبب آن، وی را بزرگوار و مکرم داشته است. «اصل عزت ناظر به این ویژگی است و مقصود از این اصل آن است که باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه‌های عزت نفس او را فراهم آورد. خداوند خود چنین می‌کند و خود را متکفل تدبیر و برآوردن عزت انسان می‌سازد و از این رو، یکی از اوصاف خداوند، رب‌العزة است. این وصف نشانگر آن است که خداوند مالک و صاحب عزت و عزت‌پرور است» (باقری، ۱۳۸۲، ص ۱۹۲). بر این اساس، خلقت تمامی مخلوقات، بالاخص احسن‌الخالقین نیز بر مبنای حفظ کرامت و شأن آدمی است و هرگونه عملی که موجب از بین رفتن عزت و کرامت آدمی از سوی خود یا بندگان دیگر گردد، مستوجب عذاب دنیوی و یا اخروی خواهد بود؛ از این رو، تمامی تعالیم و دستورات اسلام، از جمله تعالیم مربوط به دستگاه کیفری و جزایی، در راستای تکریم و حفظ شأن و منزلت آدمی است و بسط و میزان اهمیت به این مطلب را می‌توان با توجه به آیه ۳۲ سوره «مائده» تبیین کرد: ﴿وَمَنْ أَجْلِيَ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾؛ بدین سبب، بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد، مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مر نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده و هر آینه رسولان ما به سوی آنان با معجزات روشن آمدند.

اما بسیاری از مردم بعد از آمدن رسولان، باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند. در این آیه، حقایق تربیتی و اجتماعی بسیاری بازگو شده است و مبنای حفظ شأن و عزت آدمی از طریق تمثیل و تعریف تبیین گردیده

به خودآگاهی نسبی از نتیجه عواقب اعمال زشت خویش و انتظارات حاکمه آگاه گردانند و آنان را به این باور برسانند که هر عملی نتیجه اعمال خودشان است.

۲) **عبرت‌آموزی:** «اکثریت انسان‌ها، کسانی هستند که از طرق فرهنگی و تعلیم و تربیت و آموزش لازم، قابل هدایتند؛ بنابراین، نه نیازی به مجازات دارند و نه شدت عمل و خشونت. به تعبیر دیگر، خوبی‌ها که در اسلام از آن به عنوان "معروف" یاد می‌شود، اموری هستند شناخته‌شده و آشنا با روح و جان انسان‌ها؛ یعنی خداوند فطرت انسان را چنان قرار داده که جاذبه‌ای میان آن و نیکی‌ها حکم فرماست و به همین دلیل، توجیه فرهنگی برای اکثریت جامعه کافی است. ولی در اجتماعات، اقلیتی وجود دارند که نه تنها پایبند به قوانین و احکام نمی‌باشند، بلکه از قانون‌شکنی لذت می‌برند و از آن بالاتر به آن افتخار می‌کنند. اسلام و قوانین تربیتی آن، که می‌کوشد مدینه فاضله‌ای مبتنی بر اخلاق مندی بنا کند، در نخست به گنهکار فرصت می‌دهد خود را به وسیله توبه اصلاح کند، لیکن اگر در گناه اصرار ورزد، او را علاوه بر عذاب اخروی، به کیفر دنیوی هم مبتلا می‌سازد» (احمدی ابهری، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴-۱۰۵) تا بدان با عبرت‌آموزی، از اعمال شنیع خود حذر کنند و آرامش و امنیت جامعه فراهم آید و خوبان بدانند وعده خداوند تخلف‌ناپذیر است و چنان بکوشند که به جایگاهی و منزلتی نایل آیند که شایسته مقام انسان است.

### نتیجه‌گیری

نتایج مقاله حاضر نشان داد:

۱. قصاص نفس علاوه بر حیات اجتماعی و فردی، می‌تواند زمینه‌ساز حیات تربیتی نیز گردد؛ به عبارتی، قصاص نفس می‌تواند بستری برای عدالت (آموزشی،

هم ویژگی‌های فردی با حساسیت‌های فیزیکی و احساسات و عواطف خاص خود را دارد و هم دارای وجدان جمعی است، و جامعه روح این موجود دو بخشی است» (جونز و دیگران، ۱۹۵، ص ۲۴). حفظ حیات اجتماعی آن در گرو همبستگی اجتماعی و عدم تخطی و هنجارشکنی اعضای آن جامعه است.

براین اساس، نمی‌توان فرد را جدا از جامعه در نظر گرفت، همچنان‌که نمی‌توان وجود اجتماع را، بدون فرد تصور کرد، و احکام آنان را از یکدیگر تفکیک ساخت و مصداق و مبین این مطلب، سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه‌ای است که در مسجد «خیف» در منا ایراد نمودند و فرمودند: «مسلمانان برادرند، خون‌های آنان با یکدیگر برابر است؛ کمترین افرادشان، در انجام تعهدی که مسلمین دارند، خواهد کوشید، آنان در برابر دشمن دست واحد هستند» (رهبر، ۱۳۶۰، ص ۹۲).

از این رو، کنترل‌کنندگان هر نظامی بایستی ضامن اصلی سلامتی و سازگاری اجزای آن جامعه باشند و با در نظر گرفتن تدابیر و راه‌کارهایی در راستای همبستگی و وفاق اجتماعی تلاش کنند. چنان‌که در اسلام، احکام مربوط به قصاص و تمامی احکام کیفری در جهت کنترل اجتماعی و برقراری نظم اجتماعی تبیین گردیده است.

### روش‌های تربیتی:

۱) **بازدارندگی:** در نصوص قرآن کریم و روایات نقل شده از ائمه اطهار علیهم السلام، قتل عملی منافی با ارزش‌های انسانی است و از گناهان کبیره محسوب می‌شود و به تمامی آدمیان تذکر و هشدار داده شده است که بازخورد اعمال شنیع و غیرانسانی مانند قتل، نتیجه‌ای جز ممانده و ندامت نخواهد داشت؛ از این رو، بر مریبان نیز لازم است که قبل از انجام هرگونه تنبیهی (بخصوص اعمالی از شاگردان که منجر به از بین رفتن حقوق دیگری می‌شود)، متریبان را



تهران، مرکز مطالعات اسلامی.

ایمانی، محسن، ۱۳۸۷، «ارزش‌شناسی فارابی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی با تأکید بر اهداف، اصول، و روش‌ها»، *تربیت اسلامی*، ش ۷، ص ۸۱-۱۰۴.

باقری، خسرو، ۱۳۸۲، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.

حلی، جعفرین حسن، ۱۳۷۴، *حقوق کیفری اسلام*، ترجمه ابوالحسن محمدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

خسروشاهی، قدرت‌الله، ۱۳۸۰، *فلسفه قصاص در اسلام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

رهبر، محمدتقی، ۱۳۶۰، *رمز زندگی*، تهران، واحد تحقیقات اسلامی.

شکری، رضا، ۱۳۸۵، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*، ج پنجم، تهران، مهاجر.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

غفارپور مراغی، حسن، ۱۳۶۹، *قتل شبه عمد و مسائل آن*، قم، کتابخانه گنج دانش.

مجیدی، محمود، ۱۳۹۴، «رویکردهای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقررات قصاص نفس»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ششم، ص ۱۸۱-۲۰۱.

مقدس اردبیلی، احمد، ۱۳۴۰، *زبدة البیان*، تهران، المكتبة المرتضویه.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵، *کلیات مسفاتیح نوین*، قم، امام علی بن ابی طالب.

نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۳، *جواهرالکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

Bandura, A., 1965, Influence of a Models reinforcement Contingencies on the Acquisition Responses", *journal of Personality and Social Psychology*.

Jones.j. Brain et al., 1995, *Sociology, Micro, Macro, and Mega Structures*, New York, Harcourt Brace College Pup.

Mohamed, Mahfodz, 1982, *The Concept of Qisas in Islamic Law*, Islamic Studies irigs. iiu.edu.pk: 64447/gsd/collect/ islamics/import/v21i24.pdf.

جزایی و...)، عزت‌مداری و حیات اجتماعی فراهم آورد.

۲. از راه کارهای حیات آموزشی، عبرت‌آموزی و تذکار متریان از نواهی است. همان‌گونه که اجرای قصاص نفس موجب عبرت‌آموزی و بازدارندگی می‌گردد، خودآگاهی و تفکر نسبت به خطاها و مجازات‌های آموزشی دیگران نیز می‌تواند منجر به سازندگی و اعمال صحیح عقلانی در متریان گردد.

۳. تنبیه و تشویق صحیح و مناسب و تناسب خطای تربی با جزای او، از ملزومات عدالت آموزشی است.

۴. در نظام تعلیم و تربیت، باید کرامت و عزت یک تربی ملحوظ گردد؛ مربی باید با کنش‌های صحیح رفتاری (مانند اخفای عیوب متریان، تشویق صحیح و...) زمینه‌ساز کرامت نفسانی در متریان را فراهم آورد.

۵. قرآن مملو از احکامی است که گرچه برای عوام احکام فقهی و جزایی محسوب می‌شود، ولی تدقیق در این احکام، رفتارها و اعمال آدمی را به سمت تربیت صحیح و اخلاق‌مندی رهنمون می‌گرداند.

منابع .....

نهج البلاغه، ۱۳۶۲، ترجمه مصطفی زمانی، قم، پیام اسلام.

ابراهیم‌پور لیالستانی، حسن، ۱۳۸۷، *اهداف و مبانی مجازات در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه‌های دینی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

احمدی ابهری، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۷، *اسلام و دفاع اجتماعی*،